

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

ع. مؤمن زاده – کابل

۲۷ سپتمبر ۲۰۱۲

## نامگذاریهای افتخاری

در این روزها از هر طرف شنیده می شود که به اسم "پرافتخار" برهان الدین ربانی رئیس جمهور سابق و رئیس شورای عالی صلح یک سال قبل یکی از جاده ها، پوهنخی ها و میدان هوایی بین المللی قندهار نام گذاری گردیده است. این امر نشان دهنده اینست که چشمهای بزرگ و دهن کشاد ربانی از تمام چور و چپاول، خورد و برد و غارت معادن سنگهای قیمتی افغانستان و فروش نام و حیثیت مملکت به بیگانگان سیر نشده و مرده آنها از افغانستان طلبگار است و این مملکت و ملت هنوز هم باید به او دینی اداء نمایند.

نام گذاری یک محل، یک بناء و یا یک آبنه از قدیم در مملکت ما رواج داشته و آن از طرف مردم صورت می گرفته و یا خود اشخاص خیرخواه و خیر اندیش بنائی را از قبیل جاده ها، پلها، یتیمخانه ها و غیره به زحمت و مصرف شخصی اعمار می نمودند و در خدمت عامه قرار می دادند که بعداً خود به خود به نام آنها یاد می شد. مثلاً قصر دارالامان که توسط خود اعلیحضرت غازی اعمار گردید و تا امروز به نام نامی ایشان یاد می شود. و با وجودی که از طرف نادر خان اسم آن تغییر داده شد و به "دارالفنون" مسمی گردید، اما بی اثر ماند و آن قصر تا به امروز و تا زمانی که دنیا باقی است دارالامان یاد می شود. و یا پلی که توسط یک خانم خیرخواهی به نام "حلیمه خانم" بالای دریای پغمان ساخته شده به نام او یاد می شود.

اکثریت اماکن و محلات شهر کابل به نام بزرگانی که به همراهی تیمورشاه درانی از قندهار آمدند یاد می شود. این نام گذاریها ریشه مردمی دارد و از طرف مردم یاد شده و می شود. در غیر آن حفیظ الله امین نیز برای چند روزی شهر جلال آباد را "تزون شهر" گفت و از طرف هیچ کس تکرار نشد و به فراموشی سپرده شد. هرگاه به نام ربانی هم تمام میدانهای هوایی و پوهنخی ها از طرف کرزی و شورای نظار نام گذاری شود، چون ریشه مردمی ندارد برای چند روز است و همین که کرزی از بین رفت این نامها هم فراموش و مدفون می شود. اما اگر یک پیلوت در ساحه نظامی به خاطر حفظ خاک وطن و یا در ساحه ملکی با فدا کردن جان خود بقیه سرنشینان یک طیاره را نجات می دهد، آنگاه همان میدان هوایی خود به خود به نام او یاد می شود و الی الابد فراموش نمی شود. به علاوه این وطن خانه شخصی حامد کرزی و یا به اصطلاح "خانه ننه کرزی" نیست که هر قسمت آن را برای هر که خواست ببخشد و یا نامگذاری کند. تمام مردم افغانستان در این وطن حق دارند.

ربانی اگر در حیات "پربار" خود مسجدی به مصرف خود می ساخت و یا یتیمخانه ای از جیب "پرسخاوت" خود اعمار می نمود اکنون به نامش مسمی می بود، که صد افسوس که این کار را نکرد و امروز ضرورت به این نمی بود که کرزی و وارثانش زحمت بکشند و عکس العمل مردم را بار بیاورند.

چنانچه عکس عملهای شدیدی بار آمده و شاگردان همان پوهنخی دست از تعلیم کشیده و گفته اند ما شرم داریم از این که بگوئیم شاگرد پوهنخی ربانی هستیم. اگر سلسله این عکس العملها دوام کند تمام سازشها و جاسوسیهای که ربانی با روسها، ایران، پاکستان و امریکا نموده بود زودتر برملا می شود و هواخواهان او به عوض این که مستفید شوند، متضرر می شوند.

ربانی کسی است که از سر غرامات جنگی که ملت افغانستان از دولت روس طلبگار بود "کریمانه" گذشت کرد و تا امروز کسی از آن یادی نبرد. و روشنفکران و جوانان مملکت را "فیس بکیها" خطاب کرد و به جانیان و خاینان اخطار داد و آنها را تحریک کرد که تا در مقابل جوانان و روشنفکران زود تر بجنبند.

هرگاه قرار باشد که هرکسی که دو روزی بر اریکه سلطنت تکیه زد، آبداتی به نامش نامگذاری شود حبیب الله کلکانی، نور محمد ترکی، حفیظ الله امین، ببرک کارمل، ملا عمر و غیره همه مستحق اند و ظاهر شاه که مدت چهل سال سلطنت کرده باید تمام تعمیرات مملکت اعم از طبیعی و صناعی به نام او نامگذاری گردد و آنگاه برای کرزی بدون از قریه "کرز" جانی نخواهد ماند که بعد از سرش به نام او گفته شود.

توصیه مجدد من به صلاح الدین ربانی، وارث خوش چانس و خوش طالع ربانی این است که چنانچه یک مرتبه گفته بود که از دولت افغانستان تقاضاء به عمل آید که کاندیداتوری جائزه صلح نوبل را برای پدرش درخواست نماید و بعداً شرمید و صرف نظر کرد، از این در خواست و تقاضای نام گذاریها نیز صرف نظر نماید زیرا نتیجه به عکس است و با عکس العمل مردم تمام خیانت هائی که ربانی به این خاک و وطن کرده زودتر برملا خواهد شد و روح زجرناک او در قعر جهنم ناآرام و ناآرامتر خواهد شد.

اما ربانی و ریاست شورای عالی صلح :

شورای عالی صلح یک بنیاد بینظیر و بیمانندی است که بالاخص در دوران دولت پوشالی افغانستان تمرکز یافته و در هیچ نقطه دنیا مثل و مانند آن سراغ شده نمی تواند. شورای عالی صلح یک اسم با مسمی نیست؛ یعنی نمی توانیم بگوئیم که آن واقعاً برای تأمین صلح بناء یافته بلکه برای به آغوش کشیدن و فراهم آوری معیشت عده ای بوده که در رأس آن برهان الدین ربانی و جانشینش صلاح الدین ربانی وارث خوش طالع مادی و معنوی و وظیفه ئی پدرش می باشد.

هرگاه از کسانی که زیر نام ریاست شورای صلح در مرکز و در اطراف منسوب اند، شمارش دقیق به عمل آید تعداد شان به نصف افراد جنگجوی طالبان خواهد رسید، که اینها از معاش بلند و رفاه گسترده بهره مند هستند. هرگاه این دستگاه به معنای واقعی می بود و هر فرد منسوب به آن در این مدت تقریباً دوسال با دو نفر جنگجوی معاهده صلح می بست، اکنون یکنفر جنگجوی طالب باقی نمی ماند که بمبی در کنار جاده فرش کند و یا بمب انتحاری انفلاق دهد. در این مدت همه روزه به طور اوسط سه الی چار نفر هموطن بیگناه ما اعم از زن و مرد صغیر و کبیر کشته می شوند و ما هنوز داد می زنیم که صلح و مصالحه. هدف این صلح و پروگرام این مصالحه و شورای عالی صلح به هیچ کس معلوم نیست و هیچ کدام نمی دانند که به کجا روان هستند و چه باید بکنند؟ هرگاه به ارقام مصرفی که در طول این دوسال اعم از مُعاشات و مصارف نظر اندازی شود، به میلیونها دالر می رسد که ماحصل آن صفر هم نی بلکه منفی ست، زیرا روز به روز کشته شدن مردم ما رو به ازدیاد است. پس واضح و

آشکار دیده می شود که نتیجه این صلح و صلحبازی و شورای عالی صلح، منفی و معکوس است. بنابراین برهان الدین ربانی که گنج دیگری را به دارائیهای چور و چپاول و غارتگری افزوده قابل محاکمه و باز خواست می باشد و باید ورثه اش این مبالغ را از دارائیهای ذخیره شده اش در بانکها مسترد کرده و واپس به خزانه دولت تحویل نمایند. اگر عدالت می بود چنین می بود اما افسوس که چیزی به نام عدالت در دولت پوشالی وجود ندارد و روزی خواهد رسید که در همین مملکت عدالت تأمین و ربانی و امثال آن حتی مرده های شان محاکمه شود. برهان الدین ربانی نه در راه صلح و نه به خاطر صلح کشته شده، بلکه توسط گروههای رقیب با همکاری دوستان خودش کشته شده و این که می گویند در راه صلح کشته شده، هیچ گونه توجیهی ندارد و کذب محض است.